

براساس آمارهای ملی در ۱۹۸۷ به سطوح جدول شماره (۱) رسیده است:

سطوح عمده مصرف بالای محصولات - به جز گوشت - رابطه نزدیکی با سوبسید قیمت خرده‌فروشی که قبلاً ذکر شد دارد. در همین راستا این سطوح کلی (نسبتاً بالای) مصرف مواد غذایی با کمبودهایی در ارتباط با کیفیت، عرضه، قابلیت دسترسی منظم برای مصرف‌کنندگان، مناسب بودن و امکان انتخاب همراه است. این مشکلات سبب گزارشات و شکایات مداوم درباره مسایل و کمبودهای عرضه غذا، و در بعضی موارد خاص، منجر به چیره‌بندی مواد غذایی شده است.

وابستگی فزاینده به واردات عامل دیگری است که باعث نگرانی مقامات دولتی شده است. در طی سالهای ۷۵-۷۲ و ۸۵-۸۱ خالص واردات محصولات کشاورزی در جدول شماره (۲) نشان داده شده است.

این روند به وضوح با هدف اساسی تأمین عرضه غذا از منابع داخلی در تضاد است. دلایلی چند برای این گسترش نامطلوب وجود دارد که عبارتند از:

- نرخ بالای افزایش در مصرف از افزایش در تولید.
- افزایش تولید احشام بیش از رشد تولید محصول کشاورزی
- وقوع شرایط آب و هوایی بد بیش از حد نرمال.

سبزیجات و محصولات غذایی تبدیلی با کیفیت بالا هنوز در مقایسه با اروپای غربی از سطح پایینی برخوردار است. باید اضافه کرد که عرضه در حال رشد محصولات دامی که به‌طور قابل ملاحظه‌ای زیاده‌تر شده است، ناشی از افزایش خالص واردات علوفه، کره و گوشت است. حدود ۵ درصد از گوشت مصرفی در سالهای اخیر وارداتی بوده است. مصرف اقلام عمده غذایی

جدول شماره (۱) مصرف اقلام عمده غذایی در سال ۱۹۸۷

محصول	(سرانه کیلوگرم)
نان (برحسب ارزش آرد)	۱۳۲
سیب‌زمینی	۱۰۵
شیر و لبنیات (برحسب شیر)	۳۴۱
گوشت و محصولات گوشتی	۶۴
ماهی و فرآورده‌های بدست آمده از آن	۱۸
تخم مرغ (سرانه به تعداد)	۲۷۲
شیر	۴۷
میوه	۵۵
سبزیجات	۱۰۰

دستاوردهای عمده

● ترجمه: علیرضا جرجرزاده شوشتری

اشاره:

آنچه در پی می‌آید ادامه بررسی سیاست‌های کشاورزی در اتحاد جماهیر شوروی از گذشته تا به امروز است. در شماره گذشته بخش اول این مطلب با بررسی چارچوب، اصول و اهداف و نیز ابزارهای سیاست کشاورزی شوروی از نظر گرامی شما گذشت. اینک، مطلب را با بررسی دستاوردهای عمده سیاست کشاورزی تا دهه ۱۹۸۰ یعنی پایان دهه اقتصاد متمرکز و از دهه ۸۰ تا ۹۰ یعنی در دوران گورباچف و آغاز اصلاحات اقتصادی، پی می‌گیریم و در پایان، تأثیر این گونه تحولات را بر اقتصاد جهانی مواد غذایی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۵ دستاوردهای عمده سیاست‌های کشاورزی در اتحاد جماهیر شوروی تا دهه ۱۹۸۰

براساس محاسبات FAO، متوسط مصرف سرانه، بین سال‌های ۸۵-۱۹۸۳ در اتحاد جماهیر شوروی حدود ۳۴۰۰ کالری بوده است که این میزان اندکی بیش‌تر از متوسط مصرف سرانه اروپای غربی است. این سطح کل مصرف از مواد غذایی به وسیله رژیم‌هایی که عمدتاً شامل غلات و محصولات دامی (به علاوه ماهی) است، تأمین می‌شود. در حالی که مصرف میوه،

به‌طور قابل ملاحظه‌ای نابرابری آشکاری در رشد محصولات کشاورزی به ویژه در طی دهه ۱۹۷۰، وجود داشته است. یعنی رشد محصولات کشاورزی از نرخ‌های رشد محصولات دامی عقب‌مانده است. همین این امر سبب افزایش واردات علوفه به میزان قابل ملاحظه‌ای شد. به علاوه، جیره‌های خوراک دام اغلب با کمبود پروتئین مواجه است. به‌طور کلی ویژگی‌های اقتصاد خوراک دام عبارتند از: مدیریت خیلی ضعیف، استفاده از منابع داخلی به ویژه علوفه خشک و اتلاف و زیان‌های بسیار بالا.

بعد از منسوخ شدن دوران تحویل اجباری محصولات، تساوی درآمد برای جمعیت روستایی به عنوان یک هدف مهم در نظر گرفته شد. هدف از این سیاست، تحریک تولید کشاورزی بود و بدین ترتیب، مشخص شد که سیستم سو بسید و افزایش قیمت تولیدکننده هرچند به بهبود درآمد در بخش‌های تولید کمک می‌کند، ولی برای حل مسئله نابرابری درآمد بین بخش کشاورزی و کل اقتصاد ملی کافی نیست. در بسیاری موارد کارایی پایین استفاده از منابع به وسیله مزارع بزرگ و محدودیت‌های منطقه‌ای، تأثیری منفی بروضع درآمد داشته است. بنابراین، قیمت‌های پرداختی محصولات عمده کشاورزی در نواحی مختلف، متفاوت بوده است.

اما عامل دیگری که توجه فزاینده به آن در دهه ۸۰ ابراز شد، موفقیت زمین‌های کشاورزی خصوصی به دلیل تولید و درآمد آنها بود. سهم این قطعه زمین‌ها به‌طور پیوسته از ۱۹۴۰ کاهش یافته بود. اما در سال ۱۹۸۷ هنوز درصدهای زیر از کل محصول کشور را این گونه از اراضی تولید می‌کردند: گوشت ۵/۵ درصد (۷۲/۳ درصد، ۱۹۴۰)، شیر ۵/۸ درصد (۷۷/۷ درصد، ۱۹۴۰)، تخم مرغ ۳۶ درصد (۹۴/۳ درصد، ۱۹۴۰) سبب‌زمینی بیش‌تر از ۶۰ درصد.

۴۵/۵ درصد از مساحت زیر کشت سبب‌زمینی و سبزیجات در زمین‌های خصوصی بوده است. از طرف دیگر، برای غلات سهم این

جدول شماره (۲) واردات محصولات کشاورزی طی سال‌های ۱۹۷۲-۸۵ (میلیون دلار)

واردات	سال
۳۶۴۷	۱۹۷۲-۷۵
۹۸۲۱	۷۶-۸۰
۱۶۹۶۹	۸۱-۸۵

زمین‌ها کم بوده، امکان فروش تولیدات بدست آمده از زمین‌های کشاورزی خصوصی در بازار کشاورزان اشتراکی به قیمت‌هایی به مراتب بالاتر از قیمت‌های تعیین شده دولتی به همان جذابیت که شنیده می‌شده، نبوده است. در کشور وسیعی مانند اتحاد جماهیر شوروی، بیش‌تر کشاورزان در مکان‌هایی به مراتب دورتر از مراکز صنعتی و شهرهای بزرگ- که در آنها قدرت خرید وسیعی برای محصولات غذایی تازه و گران‌تر وجود دارد- اسکان یافته‌اند. به علاوه، زیربنای ضعیف کشور، امکانات حمل و نقل این محصولات را به مراکز مصرف علی‌رغم تعرفه‌های اندک مطالبه شده برای پروازهای داخلی، فراهم نمی‌کند.

این مشکل در مجارستان با انعقاد قراردادهایی بر خرید محصولات زمین‌های کوچک جهت ارزیابی از طریق ایجاد کانال‌های دولتی و اشتراکی حل شد، اما این کار با افزایش انعطاف‌پذیری تعیین قیمت در تجارت عمده فروشی و خرده‌فروشی مواد غذایی، کم‌تر کردن فاصله از مراکز بازار، انجام پذیرفت. تاکنون موضع دولت اتحاد جماهیر شوروی واضح نبوده است و در عمل همیشه مملو از تناقض بوده است و این دلیلی است برای آنکه چرا تاکنون کاهش مداوم محصول زمین‌های کشاورزی خصوصی متوقف نشده است. عامل دیگری که به‌طور فزاینده با درآمد ارتباط پیدا می‌کند، فعالیت‌های متنوع است.

در بیش‌تر موارد افزایش درآمد ناشی از بازاریابی واحدهای فرآوری و حمل و نقل متمرکز شده در بخش‌های کشاورزی اجتماعی شده، علت اصلی بهبود درآمدهای متوسط کشاورزی در سال‌های اخیر بوده است. بعد از ۷۰ سال از کشاورزی سوسیالیستی، در اتحاد جماهیر شوروی ساختارهای کشاورزی با مقیاس بزرگ را به همراه سطوح پایین از تخصص و بازدهی مادی و انسانی مشاهده می‌کنیم. این امر علی‌رغم کوشش‌های قابل ملاحظه دولت در تخصیص دادن بخش مهمی از سرمایه‌گذاری کل به این بخش و علی‌رغم این حقیقت که قیمت تولیدکننده مواد غذایی همواره بیش از قیمت‌های مصرف‌کننده است، افزایش یافته است. افزایش تولید در بخش کشاورزی که طی دهه‌های اخیر بدست آمده تا اندازه زیادی ناشی از افزایش مساحت یا افزایش تعداد احشام در مقایسه با افزایش بازدهی بوده است، یعنی بیش‌تر یک رشد کمی داشته است تا یک رشد کیفی. این گفته را نیز می‌توان به‌طور مشابه برای مصرف غذا در نظر گرفت. در اقتصادی با برنامه‌ریزی متمرکز، کمبودهای شدید، ارتباط ارگانیک و هماهنگی اقتصادی بین بخش‌ها و شاخص‌های مختلف اقتصاد و تسلط مکانیزم‌های بوروکراتیک به جای یک سیستم بازاریابی وجود دارد. این امر به دلیل عدم وجود یک سیستم عقلایی قیمت به مراتب بدتر شده است، قیمت‌های موجود به هیچ‌وجه ارتباطی با هزینه‌های نسبی و یا ترجیحات



تقاضای واقعی مصرف‌کننده ندارند. این امر زبان‌ها و ائتلافات بزرگ و پیوسته را در اقتصاد کشاورزی اتحاد جماهیر شوروی توضیح می‌دهد. به عنوان مثال ۲۰ تا ۲۵ درصد دانه‌های برداشت شده.

با توجه به سخنان آقای گورباچف در سال‌های ۸۸-۱۹۸۷، به نظر می‌رسد که وی نیز کم و بیش با این تحلیل از وضع امور در اقتصاد غذایی اتحاد جماهیر شوروی موافق است. وی به تغییرات عمیق تأکید کرده، روشن ساخت که تصمیم به ایجاد تغییراتی گرفته است. اما تاکنون برحسب معیارهای قطعی، تنها تغییرات اندکی صورت پذیرفته است و معیارهای جدید چندی کم و بیش آزمایش شده است. در چنین وضعیتی عملاً غیرممکن است که بتوان گونه‌ای از سیاست‌های کشاورزی روشن آقای گورباچف را ارائه کرد. در اینجا برخی از نظرات اساسی‌تر آقای گورباچف به همراه اندیشه‌هایی درباره آینده سیاست‌های کشاورزی در شوروی، مشکلات و محدودیت‌های ممکن و تأثیرات ممکن آن بر اقتصاد غذایی جهانی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۶- سیاست‌های کشاورزی در اتحاد جماهیر شوروی از دهه ۸۰ تا ۹۰

از بسیاری از سخنان آقای گورباچف در طی سال‌های اخیر این امر روشن می‌شود که وی

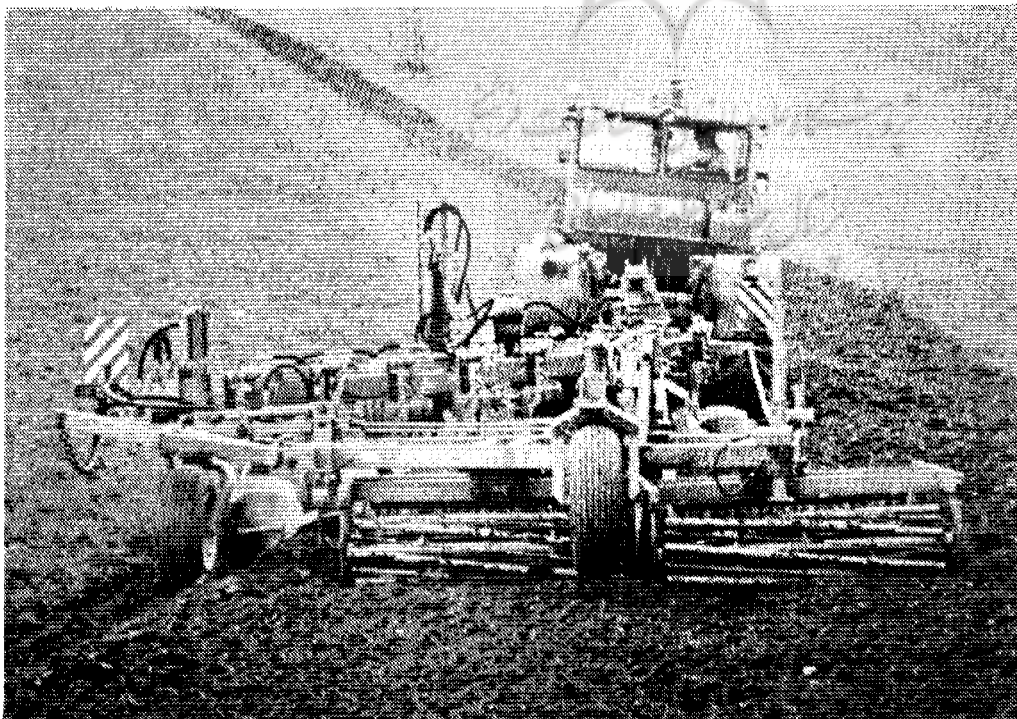
نسبت به نحوه کنونی اداره امور (و نه دستگاه مدیریت اجرایی) اقتصاد با برنامه‌ریزی متمرکز شوروی، انتقاد کرده است. بنابراین، وی توجه به اصول معینی از سیستم اقتصاد بازار را همواره با توجهات لازم نسبت به شرایط و نیازهای ویژه سیستم سوسیالیستی در شوروی مدنظر داشته است. در این جارچوب، این امر با ایده آل بنیادی سوسیالیزم مبنی بر اینکه انسان باید مجدداً ارباب تولید بوده، در بیگانگی خود از ابزار تولید چیره شود، سازگاری کامل دارد. در همین هنگام، وی این موضوع را نیز روشن ساخته است که جامعه باید مالک منابع طبیعی و ابزار اساسی تولید-مانند زمین کشاورزی- باقی بماند. همچنین مکرراً ادعا می‌شود که بازار نمی‌تواند تنها نیروی قاطع و تعیین‌کننده‌ای برای تنظیم تولید و مصرف باشد، آنچه علاوه بر تمامی این موارد مورد نیاز است، وارد کردن معیارهای سیستم بازار در مدیریت اجرایی متمرکز است.

اگرچه این دیدگاه‌های اساسی به‌وضوح هرچه تمام‌تر روشن شده‌اند، اما نحوه شکل یافتن معیارهای اساسی مانند سیاست‌های کشاورزی، کم‌تر توضیح داده شده‌اند. برای تصمیم‌گیری درباره چنین معیارهایی یک جلسه ویژه حزب کمونیست برای این موضوع در اواخر ۱۹۸۸ در نظر گرفته شد- اگرچه تا مارس ۱۹۸۹ به تعویق افتاد- و بنابراین، در اینجا تنها امکان طرح و بحث آن دسته از پیشرفت‌های تجربی مشخص و سیاست‌های رسمی وجود دارد که با

زمینه‌های اصلی اقتصاد مواد غذایی ارتباط دارند و جهت‌گیری فکری مشخصی در این رابطه را نشان می‌دهند.

در آغاز جهت‌گیری مجدد اخیر تعدادی از وزارت‌خانه‌ها و کمیته‌های دولتی به صورت یک وزارت‌خانه تحت عنوان (گوساگر و سروم) در سال ۱۹۸۵ ادغام شدند. این وزارت‌خانه جدید که از آن در سطح جمهوری‌های دیگر شوروی تقلید به عمل آمد، بخش مهمی از وزارت‌خانه‌های مختلف و جدا از یکدیگر و مرتبط با کشاورزی و مواد غذایی را تحت سرپرستی یک نفر که تا مقام معاونت اول نخست‌وزیری ارتقاء می‌یابد، مجتمع کرد و بدین ترتیب، در مقامی بالاتر از یک وزیر عادی قرار گرفت. این امر اگرچه به‌عنوان پیش‌شرطی برای مدیریت جامع‌تر اقتصاد مواد غذایی مورد نیاز بود، اما نتایج عملی زیادی را به بار نیاورد. به‌علاوه، برنامه‌ریزی محصولات کشاورزی دولتی تا اندازه‌ای غیرمتمرکز شد و اختیارات در ۱۹۸۷ به جمهوری‌ها محول شد. اما به عنوان استثنائاتی مهم از این عدم تمرکز، مقامات مرکزی صلاحیت برنامه‌ریزی خود را برای محصولات اساسی مانند غلات، دانه‌های روغنی، نیشکر، کتان، بنه و پشم حفظ کردند.

در دیگر سازمان‌های بوروکراتیک، این شاخص‌های سازمانی به وضوح نوعی از تأثیر اولیه فشارها را در تمام سطوح مدیریت کشاورزی که به وسیله نتایج تولید مطلوب در ۱۹۸۶ و در سطحی پایین‌تر در ۱۹۸۷ انعکاس



یافته بود، داشتند. مردم درباره شغلشان نگران بودند و بنابراین، کوشش می کردند تا بهتر و سخت تر کار کنند. به هر حال، این تأثیرات طولانی نبودند و اگر اقتصاد مواد غذایی بخواهد بر مبنای اقتصادی نیرومند استوار شود، به تغییرات اساسی تر نیاز دارد. بنابراین، حسابداری هزینه که قبلاً در مزارع اشتراکی دولتی وجود داشت، اهمیت ویژه ای یافت و از ۱۹۸۷ اعتبارات کشاورزی به توانایی پرداخت اعتبارات مورد درخواست مشروط شد.

در همین زمان اعلام شد که سوبسیدهای دولت برای خرید ماشین آلات کشاورزی و کودهای شیمیایی افزایش طولانی نخواهد داشت. برای مثال در ۱۹۸۶ مزارع دولتی و اشتراکی ۵۳ میلیارد روبل برای سرمایه گذاری در نهادها هزینه کرده اند: ۳۷/۵ میلیارد روبل از منابع خود، ۵/۲ میلیارد روبل به شکل اعتبارات بانکی (از بانک دولتی) و ۱۲/۳ میلیارد روبل به شکل سوبسید از بودجه دولتی. بدین ترتیب، بیش از ۲۳ درصد از این هزینه ها از محل بودجه دولتی تأمین شده است. با این وجود، حسابداری هزینه آشکار ساخت که ۱۵ درصد از کل مزارع اشتراکی و ۲۳ درصد از کل مزارع دولتی موجب زیان های اقتصادی در ۱۹۸۵ شده اند.

در ۱۹۶۵ یک سیستم اضافی قیمت (پاداش) برای فروش مازاد تولید بر مقادیر برنامه ریزی شده به دولت، ایجاد شده بود. اکنون این سیستم به وسیله دیگری برای پرداخت سوبسید به واحدهای زراعی غیر کارا تبدیل شده است، زیرا هیچ رابطه ای با توانایی سودآوری اقتصادی تولید که این فروش های مازاد بتواند بر آنها استوار شود، وجود ندارد. محاسبه شده است که لغو این سیستم مازاد قیمت به تنهایی مقدار سود مزارع اشتراکی و دولتی را تا ۴۰ درصد کاهش می دهد، زیرا ۲/۳ این مزارع از چنین پرداخت هایی بهره مند شده اند. این هزینه های ناشی از مازاد قیمت که سالانه حدود ۲۷ میلیارد روبل بوده است، به مزارع دولتی و اشتراکی اجازه داد که بین سال های ۸۵-۱۹۶۵ حقوق پرداختی خود را به همراه افزایشی تنها به میزان ۱/۷ برابر در تولید، ۳/۶ برابر بالا ببرند. در همین زمان، سرمایه متغیر مزارع دولتی به شکل ساختمان ها، ماشین آلات و وسایل حمل و نقل و احشام، ۵/۶ برابر افزایش یافته است. بیش از ۲۰۰ شرکت کشاورزی عمده شامل مزارع دولتی، مزارع اشتراکی و شرکت های فرآوری غذایی در سال ۱۹۸۷ واقعاً اعلام ناتوانی کرده اند. به هر حال، تاکنون کسی نگفته است که نهایتاً چه اتفاقی برای مزارع دولتی و اشتراکی ورشکسته خواهد افتاد. به عبارت دیگر، سودآوری

● بعد از گذشت ۷۰ سال از کشاورزی سوسیالیستی، در اتحاد جماهیر شوروی، ساختارهای کشاورزی با مقیاس بزرگ همراه با سطوح پایین تخصص و بازدهی مادی و انسانی قابل مشاهده است.

● اشارات آشکاری وجود دارد که یک جهت عمده سیاست طی چند سال آینده می خواهد نه فقط اعضای کشاورزان اشتراکی، بلکه تمام مردم را به طور مستقیم مسئول و علاقمند به موفقیت یا شکست اقتصادی در کارشان بکند.

دریافت کنند و تا زمانی که این اعتبارات به طور کامل بازپرداخت نشود، بانک مالک تمامی تجهیزات و ساختمان ها باقی می ماند. نرخ بهره برای این وام ها سالانه ۴ درصد است.

مشکل عملی مهم دیگر از انبار کردن و بازاریابی محصولات تولید شده در این واحدهای فرعی کوچک ناشی می شود. از لحاظ تئوریک این محصولات را می توان به طور مستقیم در بازارهای کشاورزان به سازمان های تجاری دولتی یا از طریق مزارع اشتراکی فروخت. از آنجایی که بازاریابی یکی از محدودیت های عمده در کل اقتصاد غذایی اتحاد جماهیر شوروی است، ممکن است برخی از مزایای بالقوه پیشنهاد شده به وسیله سازمان جدید تولید کشاورزی اشتراکی از بین بروند.

توجه مجدد به مسئله بازاریابی در ارتباط با زمینه مهم دیگری از مشکلات و اقدامات قبلی که برای سال ۱۹۹۱ در نظر گرفته شده یعنی رفروم قیمتی است. تاکنون تعیین قیمت در بخش مواد غذایی کشاورزی به گونه ای کاملاً ناهماهنگ - همان گونه که قبلاً توضیح داده شد - انجام شده است. نه فقط کارکرد کل اقتصاد مواد غذایی، بلکه تعادل بودجه دولت به تبدلانی جدی نیازمند است. برای نشان دادن میزان انحراف ارقامی را از یک مقاله منتشر شده به وسیله نماینده وزارت مالیه اتحاد جماهیر شوروی در سپتامبر ۱۹۸۷ می توانیم ذکر کنیم:

بر اساس این مقاله در سال ۱۹۸۵ وضع به قرار جدول شماره (۳) بوده است و تاکنون در عمل نیز تغییر نکرده است. در همین هنگام در برخی مزارع دولتی و اشتراکی، هزینه تولید هر کیلو گوشت گاو و هزینه تولید هر کیلوگرم شیر به ترتیب ۷ تا ۸ و ۰/۶ تا ۰/۷ روبل گزارش شده است.

تجربیات در دیگر کشورهای سوسیالیستی (به ویژه مجارستان و لهستان) نشان داده است که حذف سوبسیدها در یک زمان، عملاً غیرممکن است. این حقیقت که حدود ۴۰ درصد از متوسط

یا زیان دهی اقتصادی تحت کنترل قرار گرفته، علل آن مشخص شده است و همچنین مشخص شده است که تعهدات دولت دیگر تأمین کسری ها در آینده را شامل نمی شود.

اشارات آشکاری وجود دارد که یک جهت عمده سیاست طی چند سال آینده می خواهد نه فقط اعضای کشاورزان اشتراکی، بلکه تمام مردم را به طور مستقیم مسئول و علاقمند به موفقیت یا شکست اقتصادی در کارشان بکند. از اواخر ۱۹۸۷ در برخی از جمهوری ها مواردی که در آن خانوارهای کشاورزان یا گروه های کوچک کشاورزان فرصت اجاره کردن زمین از زمین های کشاورزی را از مزارع اشتراکی برای دوره های چند ساله و در برخی موارد مشخص تا ۲۰ سال یافته اند، وجود دارد. زمین با نرخ های ثابتی اجاره داده می شود. به طور مشابه، همچنین وسایل معین کشاورزی و حتی قسمتی از احشام می توانند اجاره شوند. تاکنون محدودیت هایی از نظر وسعت برای اجاره دادن اعلام نشده است.

اکنون اجاره دادن زمین برای دوره های بیش تر از ۵۰ سال به اقدامی عادی تبدیل شده است. نتیجتاً متخصصین مؤسسه اقتصاد کشاورزی علاقه شدیدی برای مثال به قوانین ارت حاکم بر زمین اجاره شده در انگلستان نشان داده اند. سودمندی این مفهوم جدید از آنجا ناشی می شود که به کشاورزان اشتراکی اجازه می دهد که مستقیماً در فعالیت های اقتصادی روزانه خودشان درگیر باشند، در حالی که امتیاز زمین های تحت مالکیت ملی را نیز همزمان دارا باشند. در این حالت مشکل عدم وجود دارائی های با دوامی در دست کشاورزان اجاره دار برای وام های بانکی که در آینده بیشتر از آنچه تاکنون مطالبه می شده است. قاعده معمول آن است که گروهی از کشاورزان اجاره دار (یا گروهی از کشاورزان) می تواند اعتباراتی بلندمدت (حداکثر تا ۸ سال) برای خرید تجهیزات یا ساختمان ها از بانک کشاورزی (AGROPROMBANKA)

● سیستم سوبسید و افزایش قیمت برای تولیدکننده، هرچند به بهبود در آمد در بخش های تولیدی کمک می کند ولی برای حل مسئله نابرابری در آمد بین بخش کشاورزی و کل اقتصاد ملی کافی نیست.

● افزایش تولید در بخش کشاورزی که طی دهه های اخیر بدست آمده است. ناشی از افزایش مساحت یا افزایش تعداد احشام در مقایسه با افزایش بازدهی بوده است، یعنی بیشتر یک رشد کمی داشته است تا یک رشد کیفی.

کامل دولت بود. اما تاکنون تلاش هایی جهت عقد قراردادهای تجاری خارجی با تعداد فزاینده ای از بنگاه های اقتصادی که می تواند واحدهای کشاورزی- صنعتی را نیز شامل شود، انجام پذیرفته است.

جنبین ابزاری می تواند عرضه نهاده های اصلی اولیه از قبیل، دانه ها و نژادهای اصلاح شده، برخی آفت کش ها، و داروهای خاص بنگاه های بزرگ کشاورزی را از لحاظ زمانی فراهم آورد، اما همین ابزار، به علاوه، می تواند خطرات و فرصت های بالقوه ای را برای مدیران واحدهای کشاورزی که خواهان گسترش فعالیت خود هستند، به وجود آورد. این اصلاحات لزوماً با افزایش فعالیت های غیرمتمرکز مزارع دولتی و جمعی گسترش نمی یابد. همان گونه که تجربیات مجارستان نیز نشان می دهد، احتمالاً تمایلی به ایجاد تنوع های سریع و اساسی در معدودی از واحدهای موفق و بسیاری از واحدهایی که به موفقیت های کم تری دست یافته اند، وجود دارد.

طرح های سرمایه گذاری تا اندازه زیادی در اختیار مقامات مرکزی باقی خواهد ماند که باید

بودجه مصرفی هنوز خرج مواد غذایی می شود در آنکه پایین بودن متوسط درآمد و دستمزد کارگران نیاز به تعدیل مجدد کامل ساختار درآمد و قیمت و به حداقل رساندن مشکلات بازاریابی و توزیع و نیز تضمین حداقلی برای کیفیت مواد غذایی را نشان می دهد.

برای نشان دادن پیچیدگی این کار می توان به مثال هایی از مجارستان رجوع کرد که در آنجا در بهترین شرایط مساعد، این کار به مدت ۱۵ سال دنبال شد و هنوز هم به اتمام نرسیده است.

کمال مطلوب آن است که تولید و مصرف به طور یکسان از تعدیلات لازم تأثیر بپذیرند، اما چند اشتباه می تواند تولید و مصرف را کاهش داده، سبب بحران های جوی اجتماعی شود. این امر خود به خود همه کوشش های اصلاحی اقتصادی را به زیر سؤال می برد. اظهارات اخیر رهبران اقتصاد شوروی نشان می دهد که آنها به طور کامل از پیچیدگی این مسایل و مخاطرات ناشی از آن اطلاع دارند.

عناصر اصلاحی دیگر، به تجارت خارجی مربوط می شود. این عنصر در گذشته در انحصار

جدول شماره (۳)

متوسط قیمت خرده فروشی	سوبسیدها	یک کیلوگرم از:
روبل / کیلوگرم	روبل / کیلوگرم	
۱/۷۵	۴/۰۳	گوشت گاو
۱/۸۴	۲/۱۲	گوشت خوک
۱/۱۳	۲/۵۷	طیور
۰/۲۵	۰/۳	شیر
۶/۳	۳/۳۸	کره

تأکید سنتی خود را از سرمایه گذاری در فعالیت های کشاورزی به سرمایه گذاری در فعالیت های فرآوری، انبارداری و توزیع مواد غذایی متوجه سازند.^۲ این فرایند باید برای دوره آینده برنامه از ۱۹۹۱ به بعد در نظر گرفته شود.

از نظر تفاوت های بزرگ ناحیه ای بین بخش های مختلف اتحاد جماهیر شوروی، تغییرات مورد انتظار در سیاست های کشاورزی احتمالاً نتایج مفیدتر و سریع تری- برای مثال در استونی از قزاقستان- به وجود آورد، نهایتاً این امر تنش های ناحیه ای را با یا بدون مداخلات اصلاحی حکومت مرکزی افزایش می دهد.

بعد از ارائه خلاصه ای از زمینه های مهم کارکرد سیاست های کشاورزی و انواع شاخص های مورد انتظار و مخاطرات ناشی از آن، به نظر می رسد ذکر خلاصه ای از نتایج عمده مورد انتظار از این تغییرات آقای گورباچف و جناح وی مناسب باشد. تخصیص کارتر منابع هزینه منجر به بازدهی بالاتر در اقتصاد همراه با اتلاف و زیان های کم تر خواهد شد. این نهایتاً به انتخاب وسیع تر تولیدات غذایی جهت مصرف کنندگان، و کاهش دادن بوروکراسی و سهم بالاتر درآمد بر اساس بازدهی کار خواهد انجامید.

۷- اثرات تغییرات مورد انتظار در سیاست های کشاورزی اتحاد جماهیر شوروی بر اقتصاد جهانی مواد غذایی

از آنچه تاکنون گفته شد این نکته روشن می شود که وظایف سیاست گذاران در شوروی بی شمار است و هنوز دشوارترین مراحل باید پشت سر گذاشته شود. همچنین فاصله زیاد تا مرحله تعیین نحوه طراحی و یا اعمال این معیارها در آینده باقی مانده است و بنابراین نمی توان این تأثیرات و عکس العمل های آنها را پیش بینی کرد. اگر فرض کنیم شاخص های اساسی اوایل دهه ۱۹۹۰ تکمیل شوند، در بهترین شرایط باید انتظار یک بهبود تدریجی در طی یک دوره ۱۰ تا ۱۵ ساله را داشته باشیم. افزایش تولید به طور فزاینده ای برافزایش بازدهی و وجود زمین های قابل کشت استوار است، امکانات بالقوه انجام این کار بسیار زیاد است. این امر به همراه انتظاراتی مبنی بر توانایی دسترسی انبوه به تولیدات- صادراتی با استفاده از سوبسید- غلات و محصولات دامی، کره، گوشت گاو و گوشت طیور به جامعه اقتصادی اروپا در دهه ۱۹۹۰ به عنوان خاطرهای از گذشته باقی خواهد ماند و احتمالاً منجر به کاهش واردات مواد غذایی اتحاد

۱۹۶۵	۱۹۷۵	۱۹۸۵
گوشت (به اضافه طیور)	۱۵۲	۱۵۶
کره	۱۲۹	۱۲۸

۲- از ابتدا زانویه ۱۹۸۹ کمیته برنامه‌ریزی دولتی و کمیته دولتی برای عرضه مواد اولیه بخش قابل توجهی از مسئولیت‌های خود برای برنامه‌ریزی و منابع مواد اولیه و انرژی را به نفع سازمان‌های تجاری عمده برای کالاهای سرمایه‌ای از دست داده‌اند، اما مسئله نحوه انجام این کار و اثرات آن است. قصد دولت تقویت امکان عقد قراردادهای مستقیم بین این سازمان‌های تجاری و بنگاه‌ها با هزینه مقامات مرکزی است.

۳- خالص واردات غلات شوروی تا سال ۲۰۰۰ ۳ الی ۵ میلیون تن و خالص واردات گوشت ۲۰۰ هزار تن (بدون واردات کره) تخمین زده می‌شود. با استفاده عقلایی از مراتع وسیع واردات خوراک دام، غیر از غلات نباید بیش از سطوح جاری افزایش یابد. این تخمین‌ها براین فرض استوار هستند که منسکلات فعلی مربوط به تجدید ساختار سیاست‌های کشاورزی را می‌توان تا اواسط دهه ۹۰ حل کرد و بدین ترتیب، به پیشرفت سریع‌تری در بازدهی نایل آمد.

توزیع غیرقابل اجتناب باشد. همکاری برای روش‌های مدیریتی جدید و مناسب در یک اقتصاد غذایی با عدم تمرکز بیش‌تر و با تصمیم‌گیری براساس مفهوم سودآوری اقتصادی مورد نیاز خواهد بود. انتظار می‌رود که دولت در مدیریت عمومی اقتصاد برای چندین سال همچنان با اهمیت باقی بماند بنابراین، روش‌های مدیریت غربی احتمالاً تمام پاسخ‌های لازم را به دست نخواهد داد. در عوض به مفاهیم ویژه و جدیدی نیاز خواهد بود.

■ زیرنویس:

۱- در طی سال‌های ۸۵-۱۹۶۵ قیمت خرده فروشی دولتی گوشت و کره (حجز بازار کشاورزان) به فرار زیر افزایش یافته است.

جماهیر شوروی در دهه آینده خواهد شد. تعدیلات رو به افزایش قیمت‌های خرده‌فروشی مواد غذایی تأثیری کاهش‌ی بر تقاضای بیش‌تر مواد غذایی در اتحاد جماهیر شوروی، با تأکید بر کیفیت و نه کمیت دارد. کاهش واردات اقلام عمده مواد غذایی به مقدار زیادی به وسیله صادرات اروپای شرقی جبران خواهد شد.^۲ به این منظور این کشورها کوشش‌های زیادی را جهت قابلیت تبدیل «تجارت با روبل» پی‌گیری کرده‌اند. بخشی از صرفه‌جویی ایجاد شده ناشی از عدم واردات مواد غذایی می‌تواند به واردات محصولات گرمسیری (لئوکس) اختصاص یابد و به علاوه این امکان زیادتر خواهد شد، اگر کشورهای در حال توسعه شانس خریدن مقادیر زیادتری از کالاهای صنعتی اتحاد جماهیر شوروی را پیدا کنند، برای ۱۰ تا ۱۵ سال آینده به نظر می‌رسد نیاز به واردات فنون و تکنولوژی برای بهبود بازاریابی و سیستم

